نقدی بر کتاب مطالعات اجتماعی سال هشتم دوره اول متوسطه

 ( درس های اول و دوم کتاب )

 دو درس اول و دوم این کتاب موضوع مشترکی را دنبال می کنند : تعاون .

نخستین جملۀ درس اول با تعریف تقریباً لغوی تعاون آغاز می شود : " تعاون به زبان ساده یعنی همکاری و یاری رساندن به یکدیگر ".

این تعریف از لحاظ لغوی و اصطلاحی به تعریف رایج و جاافتاده تعاون ( همچنین در تعاون به عنوان شاخه ای از علوم اجتماعی ) بسیار نزدیک است . در لغت نامه بزرگ دهخدا در تعریف کلمه تعاون آمده است :

تعاون : ( تَ وُ ) ( ع مص ) هم پشت شدن . یکدیگر را یاری کردن . یاری کردن بعض قوم بعضی دیگر را . با هم مددکاری یکدیگر کردن ( فرهنگ لغت دهخدا جلد پنجم ص 6795 ).

ارایه تعریف از مفهوم تعاون از کتاب مهدی طالب

همچنین تعریف یاد شده با تعاریف اصطلاحی آن در بین مردم کوچه و بازار و لاجرم در ذهنیت دانش آموزان نیز نزدیکی بسیار دارد . نگارنده قبل از شروع درس و پیش از گشودن کتاب معنای تعاون را از دانش آموزان جویا شدم که بیان اکثریت آنها با تعریف کتاب همخوانی نزدیک داشت .

کتاب پس از ارائه این تعریف ، دو " ماجرا " (معمولاً ماجرا برای مواردی اطلاق می شود که واقعی بوده و با ارائه استناد به صورت شفاهی یا کتبی ذکر می شود لیکن در این درس منظور از ماجرا همان مثال فرضی رایج در کتابها است ) را برای روشن تر شدن مفهوم تعاون روایت می کند .

ماجرای شماره 1 مربوط است به "فریده خانم" که از برادران و خواهرانِ شوهر خود – که در اثر تصادف مصدوم شده است – طلب کمک و مساعدت در کارهای درمان او و نیز رسیدگی به امور دو فرزندش که یکی دانش آموز و دیگری نوزاد است دارد . کتاب به واسطه روایت این ماجرای فرضی می خواهد دانش آموز را به معنا انضمامی "تعاون" نزدیک سازد اما دانش آموز پس از قرائت این ماجرا ، از تعریف شسته و رُفته ابتدایِ درس فاصله می گیرد و این فاصله باعث می شود دچار آشفتگی و بی نظمی ذهنی در معنای این مفهوم شود ؛ مفهومی که همه ما در زبان روزمره تصوّر بسیار روشنی از آن داریم ولیکن با نقل این ماجرا از روشنایی و شفّافیت آن کاسته می شود .

دانش آموز با خواندن ماجرای شماره 1 در حقیقت با موضوع نیاز به کمک و مساعدت از یک طرف و مهربانی و محبّت طرفِ مقابل مواجه می شود . در این ماجرا به هیچ عنوان صحبت از همیاری و کمک به "یکدیگر" نیست . زمانی که ما در تعریف خود و آن هم در کتاب درسی که باید دقیق و جامع و مانع باشد تعاون را به "همکاری" و یاری رساندن به یکدیگر معنا می کنیم دیگر جایز نیست که آن را به مفهوم "دگریاری" و کمک به دیگران که اساسا ً امری متفاوت است بگیریم . اساس و و پایۀ مفهوم تعاون "نیاز متقابل" است نه نیاز یک طرفه . درست است که در نهایت روزی ممکن است "فریده خانم" در صدد جبران این کمک به خانواده شوهر خود باشد ولی اینجا صحبت از ارائه مثال برای روشن کردن مفهوم تعاون است . این مشکل توسط ماجرای شماره 2 تاحدودی برطرف می شود .

ما نباید در کتاب درسی تعریف مفاهیم متداخل را سهل بگیریم . ماجرای شماره 1 در حقیقت نمونه و مثالی از مفهوم "همدلی" و "همیاری" است که درس پنجم کتاب پایه هفتم آمده است نه مثالی از" تعاون" . جوهرۀ مفهوم تعاون در متقابل بودن یاری است . معضل و مسأله ای که قرار است به صورت مشترک حل شود ؛ اما در همدلی و همدردی موضوع ، کمکِ بی چشمداشت فرد به دیگر همنوعان خود است .

همچنانکه پیشتر بیان شد ماجرای شماره 2 مثال و نمونه دقیقی از تعریف تعاون را به دست می دهد : که در آن یک معضل مشترک برای یک شهرک مسکونی رخ می دهد ( انباشته شدن زباله ) و تعدادی از جوانان شهرک به شکل تعاونی در معنای دقیق کلمه ) و با کمک یکدیگر به رفع این معضل می پردازند .

متأسفانه کتاب در ادامه به تداخل معنایی مفاهیمِ به اصطلاح مترادف با تعاون دامن می زند و تناقضِ تعریف بیان شده با مصادیق آن را بیشتر می سازد . و از رهگذر ارائه این مصادیق دانش آموز نه تنها آن تعریف اولیه و عادی که از سال ها پیش از مفهوم تعاون در ذهن داشت را از دست می دهد بلکه با آشفتگی ناشی از مفاهیم متداخل روبرو می گردد .

کتاب در صفحه 4 سخن از جلوه ها و شکل های مختلف تعاون به میان می آورد و مقولاتی از قبیل اظهار دوستی ، همدلی ، هدیه دادن ، عیادت از بیمار، دستگیری از فقرا و عجیب تر از همه مقوله امر به معروف و نهی از منکر را در شمار جلوه های مفهوم تعاون بیان می کند .

کاملا آشکار است که در این جا هیچ نیازی نبود که نویسندگان محترم کتاب این موضوعات را در روشن کردن مفهوم تعاون به کار گیرند . تعاون بر اساس همان تعریفی که در ابتدا به دست داده شد جلوه های بسیار متعددی دارد که البته کتاب در صفحات بعد و نیز در درس دوم به درستی به آن ها اشاره می کند .

در صفحه 5 کتاب مثال بسیار زیبا و به جای صندوق قرض الحسنه خانوادگی را ذکر می کند که مصداق گویا و بارز تعاونی در حل و رفع مشکلات مالی خانواده هاست . امروزه صدها نمونه این گونه تعاونی در جوامع شهری و روستایی شکل گرفته و حاکی از کارکرد مثبت این گونه تعاونی مالی در کاهش مشکلات خانواده ها ست .

علاوه بر این نمونه که ذکر شد نویسندگان می توانسنتد از گونه های تعاونی بسیار قدیمی و ریشه دار فرهنگ بومی ایران در مناطق روستای و عشایری نام ببرند که جای آنها لااقل در قسمت های "بیشتر بدانیم " خالی است : "بُنه" و "مال" و "واره" . هر سه شکل تعاونی مذکور که به تدریج از چند دهه گذشته رو به محو شدن رفته اند نمونه های دقیق و بومی فرهنگ تعاون در تاریخ ایران زمین بوده و نشانه ریشه داری مقوله ارزشمند تعاون و همیاری در بین مردم جامعه ماست.

نکته عجیب و بسار قابل توجه در ادامه مبحث تعاون که در درس دوم آمده است آن است که کتاب مقوله "انفاق" را با مفهوم تعاون در می آمیزد و به سردرگمی ذهنی دانش آموز می افزاید . انفاق از بنیان ، یک امر شخصی و با بُن مایه دینی و معنوی است که فرد برای تقرّب به خداوند از اموال خود به نفع نیازمندان چشم پوشی می کند . این تداخل معنایی نویسندگان محترم ناشی از همان اشتباه یا "گناه نخستین " آنهاست : یعنی درهم آمیختن مفهوم همیاری با مفهوم دگریاری که از مفایم مستقل در فرهنگ و ادبیات جامعه ایرانی است.

 اشاره کتاب در صفحه 8 به سازمان های مردم نهاد (NGO) به عنوان یکی از مصادیق تعاون تا حدودی مجدداً دانش آموز را به مفهوم واقعی تعاون باز می گرداند ولی همچنان او در ادامه درس با مشقّت تلاش می کند از بیان مصادیق منتخب نویسندگانِ کتاب ، پرده از چهره واقعی مفهوم تعاون بردارد زیرا در صفحه 10 کتاب موضوع "وقف" به جمع امور تعاونی افزوده می شود و بر پیچیدگی ماجرا می افزاید . وقف در جای خود موضوع مستقل و مهم و البته از ابعاد دینی و البته پیچیده ای برخوردار است و کتاب در جای دیگری می توانست همه آن ها را تحت مقولات مستقل ، و از مصادیق کمک به همنوعان و مسؤلیت افراد نسبت به جامعه بیان کند .

بالاخره بعد از فراز و نشیب فراوان کتاب به مصداق اقتصادی و دقیق تعاون اشاره می کند : شرکت های تعاونی .

اقتصاد بخش تعاون به طور کلی و شرکت های تعاونی به طور خاص در صدر اُلویت های اقتصادی جمهوری اسلامی از بدو انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. بخش تعاون از لحاظ ایدئولوژیکی جایگاه والایی در تئوری اقتصادی جمهوری اسلامی داشته و همواره به مثابه بدیل قابل اطمینانی برای اقتصاد آزاد و اقتصاد سوسیالیستی مطرح بوده است.

تعاون و شرکت های تعاونی فی الواقع راه حل سوم و راه حل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی در برابر قدرت های اقتصادی شرق و غرب محسوب می شده است تاجایی که در دوره هایی، در قالب وزارت تعاون به صورت مستقل نمود پیدا کرده بود . علیرغم سرمایه گذاری های تبلیغی حکومت برای بخش تعاون ، همچنان این بخش در مقابل اقتصاد آزاد و اقتصاد دولتی در اقلّیت باقی مانده و نتوانسته به شایستگی توقعات دولتمردان ایران را برآورده سازد .

به هر حال ذکر مقوله تعاون و اشاره به اقتصاد بخش تعاون و مثال های دقیق صفحه 11 نشان از دغدغه بخردانه نویسندگان محترم کتاب داشته است . امیدواریم کاستی های کتاب – درحقیقت کاستی های گریزناپذیر مطالب کتاب – به تدریج کاسته شود و پویایی و تغییر مطالب ، سلوکِ دائمی نویسندگان کتاب باشد و هیچ کس انتظار ندارد بهترین و کامل ترین کتاب برای همه زمان ها نوشته شود .

امید حضرت زاده شوبی

کارشناس ارشد جامعه شناسی